

The formation of Subsequent Practic on non-profilearation treaty

Ebrahim Mahmoudi
Mehdi Hatami
Farid Azadbakht

Received Date: 30 Dec 2020
Reception Date: 28 May 2021

Abstract

There are numerous treaties and agreements in the field of nuclear weapons that are agreed upon in order to establish solutions and mechanisms to clarify the same rules in the framework of international relations and to control and curb nuclear activities. The most important of these is the Nuclear Non-Proliferation Treaty (NPT). This article tries to examine and analyze these questions using descriptive-analytical method and based on the use of first-hand and second-hand sources, which are interpreted in the Nuclear Non-Proliferation Treaty. And what is the implementation of the provisions of the treaty by the parties to the treaty, and more precisely, what kind of procedures are currently in place in relation to the NPT? Does the next procedure seek to preserve the principle of the treaty and facilitate its implementation, or does the NPT treaty undergo structural and amending changes, and to what extent does the next procedure comply with the rules of public international law? In order to answer these questions, this article is based on the assumption that the international legal system on the use of nuclear energy is based primarily on the security and monopoly of powerful states with nuclear materials and technology, and the promotional dimensions of treaties and Bilateral agreements, without any real obligation to ensure that the applicant countries have access to nuclear energy, place them under strict control systems and subject to unilateral judgment by the same powers.

رویه بعدی معاهده منع گسترش سلاح های هسته‌ای

ابراهیم محمودی^۱ تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰
 مهدی حاتمی^۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۷
 فرید آزادبخت^۳

چکیده

معاهدات و موافقت نامه های متعدد در زمینه سلاح های هسته ای وجود دارد که در پی ایجاد راهکارها و ساز و کارهایی برای تبیین قواعدی یکسان در چارچوب مناسبات بین المللی و در جهت کنترل و مهار فعالیت های هسته ای مورد توافق قرار گرفته اند که مهمترین آنها "معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای" (ان.پی.تی) می باشد که لازم است ضمن برخورداری از ضمانت اجرای کافی، از وحدت و یکپارچگی کافی در صحنه عمل برخوردار باشد. سؤال اساسی اینست که آیا رویه بعدی به دنبال حفظ اصل معاهده و تسهیل اجرای آن است و یا اینکه معاهده ان.پی.تی را دچار تغییر ساختاری و اصلاحی می نماید و رویه بعدی تا چه حدودی با قواعد حقوق بین الملل عمومی مطابقت دارد؟ در راستای پاسخ به این پرسش‌ها، این مقاله بر این فرض استوار است که نظام حقوق بین الملل در مسئله استفاده از انرژی هسته‌ای اساساً بر مبنای تأمین امنیت و انحصار دولت‌های قدرتمند صاحب مواد و فناوری هسته‌ای ایجاد شده است و ابعاد ارتقائی موجود در معاهدات و قراردادهای دو و

۱- دانشجوی دکتری، گروه حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران
 ۲- دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایرا(نویسنده مسئول)
 ۳- استادیار، گروه حقوق بین الملل عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

چندجانبه، بدون آن که متضمن تعهدی واقعی در امر تأمین دسترسی کشورهای متقاضی به انرژی هسته ای باشند، این کشورها را تحت نظام های کنترلی سخت و در معرض قضاوت یک طرفه همان قدرت ها قرار می دهد. یافته های مقاله نیز تأیید کننده فرضیه مطروحه می باشد.

عمرواژه های کلیدی: رویه بعدی، معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای، حق استفاده صلح آمیز، خلع سلاح و کنترل سلاح های هسته ای

مقدمه

اولین حرکت بین‌المللی در رابطه با انرژی هسته‌ای پیش از معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، با تصویب نخستین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز گردید. به کارگیری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای در اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به رسمیت شناخته شده است و در حقیقت، مبنای اصلی تشکیل این سازمان را تشکیل می‌دهد. در حال حاضر مهمترین معاهده در رابطه با سلاح هسته‌ای؛ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای است که در اول جولای ۱۹۶۸ برای امضاء مفتوح شد و در ۵ مارس ۱۹۷۰ لازم‌الاجرا شد. البته جدیدترین مذاکرات بین‌المللی در زمینه سلاح‌های هسته‌ای مربوط است به پیمان منع تسلیحات هسته‌ای^۱. مذاکرات مربوط به این پیمان توسط تمامی کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای و اعضای ناتو بایکوت شد، به جزء هلند که بر ضد آن رأی داد. با این وجود در پایان مذاکرات، ۱۲۲ کشور جهان در سازمان ملل متحد به نفع این معاهده رأی دادند این مذاکرات در ۷ ژوئیه سال ۲۰۱۷ خاتمه پیدا نمود. منتهی از آنجائیکه فعلا کشورهای صاحب سلاح هسته‌ای به این پیمان نپیوسته‌اند، کماکان ان.پی.تی حاکم بر توافقات و فعالیت‌های هسته‌ای کشورها در سطح بین‌المللی است. یکی از راهکارها و قواعد عرفی بین‌المللی که جهت اجرای معاهدات در عرصه بین‌المللی وجود دارد، تفسیر معاهدات و قرارداد است. تفسیر معاهده و قرارداد بین‌المللی به موجب ماده ۳۱ کنوانسیون حقوق معاهدات وین مصوب سال ۱۹۶۹ پیش‌بینی شده است و یکی از ابزارهای تفسیر که در قسمت (ب) بند ۳ این ماده آمده است؛ رویه بعدی است. در واقع رویه بعدی دولت‌ها یک قاعده عرفی بین‌المللی است که

^۱ Treaty on the Prohibition of Nuclear Weapons.

کنوانسیون وین ۱۹۶۹ در ماده ۳۱ آن را تدوین نموده است.^۱ بر اساس نظریه کمیسیون حقوق بین‌الملل صرفاً رویه‌ای می‌تواند مبنای یک معاهده باشد که حاکی از موافقت کلیه طرف‌های معاهده باشد هر چند بدان عمل ننموده باشند. در جریان کنفرانس دیپلماتیک وین، کلمه «درک» حذف و بجای آن کلمه «توافق» قرار داده شد. مسأله‌ای که در رابطه با معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای وجود دارد نحوه تفسیر و اجرای مفاد معاهده از سوی طرف‌های معاهده است و یا به عبارتی چه نوع رویه‌ای در حال حاضر در رابطه با آن پی‌تی شکل گرفته است؟

با بررسی اقدامات و عملکرد حقوقی کشورها اعم از دارنده و غیر دارنده سلاح هسته‌ای و نیز مواضع دولت‌های عضو و غیر عضو آن پی‌تی در خصوص تفاسیر حول مفاد آن پی‌تی. تی. بخصوص در حیطه سه موضوع مهم آن پی‌تی. تی. یعنی؛ منع گسترش، استفاده صلح آمیز و خلع سلاح در کنار عکس‌العمل سایر سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله آژانس بین

۱- قاعده کلی تفسیر در ماده ۳۱ به شرح ذیل آمده است:

۱. یک معاهده به حسن نیت و منطبق با معنای معمولی آن که باید به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده شود، تفسیر خواهد شد.

۲. به منظور تفسیر یک معاهده، سیاق عبارت، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضمائم نیز میشود، مشتمل است بر:

الف. هرگونه توافق مربوط به معاهده که بین کلیه طرفهای معاهده در ارتباط با انعقاد آن حاصل شده است؛

ب. هر نوع سندی که توسط یک یا چند طرف در ارتباط با انعقاد معاهده تنظیم شده و توسط طرفهای دیگر به عنوان سندی مربوط به معاهده پذیرفته شده است. ۳. همراه با سیاق عبارت، به موارد زیر نیز توجه خواهد شد:

الف. هرگونه توافق آتی بین طرفهای معاهده در خصوص تفسیر معاهده یا اجرای مقررات آن؛

ب. هر نوع رویه بعدی در اجرای معاهده که مؤید توافق طرفهای معاهده در خصوص تفسیر آن باشد؛

ج. هر قاعده مرتبط حقوق بین‌الملل که در روابط بین طرفهای معاهده قابل اجرا باشد.

۴. در صورتی که ثابت شود قصد طرفهای معاهده معنای خاصی از یک اصطلاح بوده است، همان معنی به اصطلاح مزبور داده خواهد شد.

المللی انرژی اتمی، نهادهایی همچون دیوان بین‌المللی کیفری و غیره... در قبال کشورهای که در چارچوب ان.پی.تی فعالیت می‌نمایند به نظر می‌رسد فراتر از سیاق و مفاد ان.پی.تی تصمیمات و اقداماتی شکل گرفته است که این تصمیمات و رویه‌ها مطابق با کنوانسیون مربوط به حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ می‌باشد که البته نیازمند بررسی بیشتر است. این مقاله برآنست تا ضمن بررسی موارد مطروحه این نکته را دریابد که تا در مواردی که حقوق هسته‌ای کشوری نقض می‌گردد بخصوص حق استفاده صلح‌آمیز انرژی اتمی، ملت‌ها و دولت‌ها بتوانند با شناخت رویه بعدی حاکم بر معاهده ان.پی.تی و با بکارگیری ساز و کارهایی به حقوق خود برسند و یا نزد مراجع ذی‌ربط بتوانند طرح شکایت نمایند و از احقاق حقوق خود، بهره‌مند گردند.

معاهدات مربوط به سلاح‌های هسته‌ای

معاهدات منعقد در این زمینه را می‌توان به ۳ دسته تقسیم نمود:

معاهدات مربوط به منع آزمایشات هسته‌ای

بر اساس این معاهدات، دول عضو متعهد می‌شوند از انجام هرگونه آزمایش هسته‌ای در مناطق تعیین شده در این معاهدات خودداری ورزند. معاهده ممنوعیت انجام آزمایشات هسته‌ای در جو، ماورای جو و زیر دریا منعقد در سال ۱۹۶۳، معاهده منع جامع آزمایشات هسته‌ای منعقد در سال ۱۹۶۶ از جمله این معاهدات هستند.

معاهدات مربوط به عدم استقرار یا معاهدات مناطق عاری از سلاح هسته‌ای^۱:

به موجب این معاهدات، مستقر نمودن سلاح‌های هسته‌ای در نقاط تعیین شده در معاهده ممنوع می‌باشد. بر اساس معاهده قطب جنوب منعقد در واشنگتن به سال ۱۹۵۹، این قاره تنها مورد استفاده مسالمت آمیز قرار می‌گیرد. معاهده اصول حاکم بر فعالیت دولت‌ها در کاوش و استفاده از فضای ماورای جو، از جمله ماه و سایر اجرام سماوی منعقد در ۲۷ ژانویه ۱۹۶۷، دولت‌های عضو را متعهد می‌کند که از قرار دادن هرگونه وسیله حامل سلاح‌های هسته‌ای یا هر نوع سلاح کشتار جمعی دیگر در مدار کره زمین، نصب این سلاح‌ها بر روی اجرام آسمانی و استقرار آنها در فضای ماورای جو به هر شکل، خودداری نمایند. به موجب معاهده ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در بستر دریا، کف و زیر اقیانوس منعقد در ۱۱ فوریه ۱۹۷۱، دول عضو متعهد می‌شوند از استقرار سلاح‌های هسته‌ای یا هرگونه سلاح کشتار جمعی دیگر در بستر دریا، کف و زیر اقیانوس‌ها خودداری نمایند. سرانجام باید از مجموعه معاهدات مربوط به منع استقرار سلاح‌های هسته‌ای در مناطق مسکونی نام برد که ۴ معاهده را در بر می‌گیرد؛ معاهده ممنوعیت استقرار سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین - موسوم به معاهده تلاتلولکو^۲ - که در آوریل ۱۹۶۸ لازم‌الاجرا شد، معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح هسته‌ای در جنوب اقیانوس آرام^۳ - موسوم به معاهده راروتونگا - که در ۶ اوت ۱۹۸۵ به امضای دولت‌های عضو رسید و از ۱۱ دسامبر ۱۹۹۶ لازم‌الاجرا شد، معاهده ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در قاره آفریقا^۴ - موسوم به معاهده پلیندا با (ژوئن

^۱ Nuclear Weapons Free Zone (NWFZ).

^۲ Treaty for the prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean.

^۳ The South Pacific Nuclear Weapons- Free Zone Treaty.

^۴ The African Nuclear-Weapons- Free Zone Treaty.

(۱۹۹۵) - و معاهده مربوط به ایجاد منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای در جنوب شرقی آسیا (۱۵ دسامبر ۱۹۹۵).

معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی. تی):

اولین تمرکز جدی برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسته‌ای در نیمه دوم سال ۱۹۶۵ صورت گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در پاسخ به این تحرک در کمیته هیجده کشور قطعنامه‌ای صادر کرد و پنج محور اساسی را به عنوان مشخصات چنین معاهده‌ای بر شمرد. این محورها عبارت بودند از:

- «الف) معاهد می‌بایست خالی از هر راه فراری باشد که به قدرت‌های هسته‌ای یا غیر هسته‌ای امکان اشاعه مستقیم یا غیر مستقیم هر شکل از سلاح‌های هسته‌ای را بدهد؛
- ب) معاهده می‌بایست در بردارنده توازن قابل قبولی از تکالیف و مسئولیت‌های متقابل میان قدرت‌های هسته‌ای و غیر هسته‌ای باشد؛
- ج) معاهده می‌بایست گامی به سوی دستیابی خلع سلاح کامل و عمومی و به خصوص خلع سلاح هسته‌ای باشد؛
- د) می‌بایست مقررات قابل قبول و عملی برای تضمین اثربخشی معاهده وجود داشته باشد؛
- ه) هیچ چیز در معاهده نمی‌بایست تأثیر منفی بر حق هر گروهی از کشورها بر عقد معاهدات منطقه‌ای برای تضمین عدم وجود هر گونه سلاح‌های هسته‌ای در قلمروشان بگذارد.»^۱

^۱ A/RES/2028 (XX) : UN Documents : Security Council Report, 19 Nov. 1965

تعهدات مندرج در معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای

با بررسی و تفسیر مفاد ان.پی.تی اصولی بر این معاهده حاکم است:

۱. ان.پی.تی اساساً و به لحاظ ساختاری، در بردارنده سه رکن یا ستون اساسی است. این سه رکن عبارتند از: استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای، منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای.

۲. این سه رکن بیانگر توان میان درخواست‌های مذاکراتی متقابل دو گروه از دولت‌هاست که در سطح کلان، ساختار معاهده قراردادی ان.پی.تی را بنیان نهادند.

۳. این سه رکن ان.پی.تی نشان‌دهنده ویژگی دو منظوره کاربردهای انرژی هسته‌ای است. ان.پی.تی اساساً به دنبال قاعده مند کردن استفاده از انرژی هسته‌ای در ماهیت کاملاً دو منظوره آن و محدوده کاربردی آن است و منحصرأ و یا حتی در وهله اول تنها به قاعده مند کردن مسأله سلاح‌های هسته‌ای نپرداخته است.

۴. این سه رکن اصولی همگی در کنار هم تشکیل دهنده هدف و موضوع «ان.پی.تی» اند. این سه رکن ذاتاً با یکدیگر مرتبط و وابسته اند و از نظر مفهومی به یکدیگر وابستگی دارند؛ لذا باید به شکلی متوازن مورد توجه قرار گیرند. هنگام برقراری این توازن، این سه رکن باید به منزله ارکانی که به لحاظ حقوقی برابر فرض می‌شوند، تلقی گردند؛ بدین معنا که در تفسیر حقوقی مقررات ان.پی.تی، هیچ کدام از این سه رکن نباید دارای اولویتی بالاتر نسبت به دو رکن دیگر فرض شوند (جوینز، ۱۴۰، ۱۳۹۴، ۱۳۹ - ۱۳۹).

اصول حاکم بر معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای

ان پی تی مبتنی بر سه رکن حق استفاده صلح آمیز کشورها از انرژی هسته ای، منع گسترش و خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته ای می باشد که ذیلاً مورد تشریح قرار می دهیم:

حق استفاده صلح آمیز کشورها از انرژی هسته ای

حق استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و منافع آن برای کشورها در مواد ۴ و ۵ ان پی تی در نظر گرفته شده است. در همین راستا یکی از مهمترین وظایف آژانس بین المللی انرژی اتمی، گسترش استفاده از انرژی اتمی برای مقاصد صلح آمیز است. به کارگیری صلح آمیز از انرژی هسته ای همچنین در اساسنامه آژانس بین المللی انرژی اتمی نیز به رسمیت شناخته شده است و در حقیقت، مبنای اصلی تشکیل این سازمان را تشکیل می دهد. در ماده ۲ اساسنامه آژانس چنین آمده است "آژانس خواهد کوشید سهم انرژی اتمی را در صلح، سلامت و سعادت سراسر جهان تسریع کند و توسعه بخشد". همچنین برابر ماده ۳ اساسنامه، گسترش استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای در سراسر جهان از محورهای عمده فعالیت آژانس بین المللی انرژی اتمی می باشد. علاوه بر این، آژانس بین المللی انرژی اتمی ترویج و هدایت توسعه کاربردهای صلح آمیز هسته ای، برقراری استانداردهایی از بابت ایمنی هسته ای و حفاظت محیط زیست، ارائه کمک های فنی و ترغیب افزایش همکاری های فنی در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای و مبادله اطلاعات علمی و فنی در زمینه انرژی صلح آمیز هسته ای و تشویق مبادله و تعلیم دانشمندان و کارشناسان در زمینه استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای را نیز برعهده دارد. (دریایی، ۱۳۸۷؛ ۱۰۰۷)

خلع سلاح و کنترل تسلیحات هسته ای

در چهارچوب تعریف حقوق بین الملل، خلع سلاح هسته ای در سه مفهوم کاملاً مشخص به کار می رود: (۱) خلع سلاح هسته ای دولت مغلوب (۲) از میان بردن تمام سلاح های هسته ای در تمام جهان (۳) کاهش یا نابودی تسلیحات هسته ای ملی از طریق عهدنامه های بین المللی (ازغندی و روشندل، ۱۳۸۹؛ ۲۳۰).

محتوای نظام نوین کنترل تسلیحات عبارت است از: تثبیت، کاهش یا از میان برداشتن تسلیحات هسته ای، جلوگیری از برخی اقدامات نظامی معین با سلاح های هسته ای، تنظیم و قانونمند سازی کاربرد تسلیحات هسته ای، منع نقل و انتقال اقلام مهم نظامی هسته ای، کاهش خطر وقوع جنگ تصادفی هسته ای، تحدید کاربرد سلاح های هسته ای در درگیری های مسلحانه و اعتماد سازی میان دولت ها از طریق ایجاد شفافیت بیشتر در زمینه ها و عرصه های استفاده از سلاح های هسته ای (Mathews and Mc cormack, 1999,75).

به نظر می رسد که در وضعیت کنونی کنترل تسلیحات هسته ای مفهوم عامی است که تلاش های مربوط به تثبیت توانمندی های نظامی در باب سلاح های هسته ای و کاهش آن ها یا کنترل تسلیحات به مفهوم سستی آن را در کنار انهدام ذخایر موجود تسلیحات هسته ای یا خلع سلاح به مفهوم دقیق آن، در بر می گیرد (ساعد، ۱۳۸۹؛ ۴۰).

رویه بعدی:

در زمینه مفهوم رویه بعدی، با بررسی رویه قضایی بین المللی دو معنا برای آن قائل هستند: ۱- معنای خاص ۲- معنای عام.

رویه بعدی در معنای خاص عبارت است از: «توالی اعمال یا اظهاراتی که بصورت یکسان، مشترک و مستمر رخ داده و بیانگر یک الگوی مشخص [رفتاری] حاکی از توافق

طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد.» به عقیده گروه مطالعات، بند ب پاراگراف ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون ۱۹۶۹ وین ناظر به این مفهوم از اصطلاح رویه بعدی دارد. اما، در مفهوم عام رویه بعدی احراز حصول توافق میان طرف‌های معاهده ضرورت ندارد. بنابراین، این مفهوم شامل رفتار و اظهارات دولتهای عضو پس از انعقاد می‌شود قطع نظر از اینکه این رفتارها و اظهارات حاکی از توافق میان طرفهای معاهده باشد یا خیر. (سادات اخوی، ۱۳۹۴، ۷). در عرصه بین‌الملل دو نوع رویه بعدی دولت‌ها و رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری وجود دارد که مورد اتکاء کشورها در استناد به آنها قرار می‌گیرد حال باید دید این دو نوع رویه بویژه رویه بعدی دولت‌ها در ارتباط با آن بی‌تی به چه نحو شکل گرفته است:

رویه بعدی در مقررات کنوانسیون ۱۹۶۹ وین

ماده ۳۱ کنوانسیون وین قاعده کلی تفسیر را بیان میکند. طبق پاراگراف ۱ این ماده، یک معاهده باید با حسن نیت و مطابق با معنای متعارفی که به اصطلاحات آن در سیاق عبارت و در پرتو موضوع و هدف معاهده داده می‌شود تفسیر شود. پاراگراف ۳ همین ماده مقرر می‌کند که در تفسیر یک معاهده، علاوه بر سیاق، موارد زیر نیز باید در نظر گرفته شود:

الف) هر گونه توافق بعدی میان طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر معاهده یا اجرای مقررات آن؛

ب) هر گونه رویه بعدی در اجرای معاهده که حاکی از توافق طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد؛^۱

^۱ any subsequent practice in the application of the treaty which establishes the agreement of the parties regarding its interpretation.

ج) هر قاعدهٔ مربوط به حقوق بین‌الملل که در روابط میان طرف‌های معاهده قابلیت اعمال داشته باشد.

مطابق بند ب پاراگراف یادشده، یکی از مواردی که به هنگام تفسیر معاهدات باید بدان توجه کرد رویهٔ بعدی دولت‌ها در اجرای معاهده است. کمیسیون حقوق بین‌الملل در شرح خود بر این ماده بر اهمیت نقش رویهٔ بعدی دولت‌ها در تفسیر معاهدات تأکید کرده و استناد به آن را امری کاملاً رایج در آرای محاکم بین‌المللی دانسته است. بر اساس نظر کمیسیون، اهمیت رویهٔ بعدی دولت‌ها در تفسیر معاهدات ناشی از این واقعیت است که عملکرد دولت‌ها متعاقب انعقاد معاهدات، در حقیقت، بیانگر برداشت آن‌ها از معنای مقررات مندرج در معاهده است.^۱ در پیش‌نویس کنوانسیون، که کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۶۶ آن را تدوین کرد، بند ب پاراگراف ۳، بدین صورت آمده است: "هرگونه رویهٔ بعدی در اجرای معاهده که حاکی از "درک"^۲ طرف‌های معاهده در خصوص تفسیر آن باشد".^۳ در جریان کنفرانس دیپلماتیک وین، به منظور یکسان کردن متن انگلیسی عبارت فوق با سایر زبان‌های کنوانسیون کلمهٔ "درک" به "توافق"^۴ تغییر یافت. بنا بر نظر کمیسیون، صرفاً رویه‌ای می‌تواند مبنای تفسیر یک معاهده واقع شود که حاکی از موافقت (یا در پیش‌نویس اولیه درک کلیهٔ طرف‌های معاهده) باشد. البته، در متن کنوانسیون لفظ "کلیه" ذکر نشده است، بدین جهت که این تصور نادرست را ایجاد نکند که "مشارکت" کلیهٔ طرف‌های معاهده در این رویه ضروری است. آنچه لازم است

^۱ YBILC (Year book international commission) 1966 ,para. 15

^۲ Understanding.

^۳ YBILC, ibid: 218, Art. 27

^۴ Agreement.

^۵ United Nations Conference on the Law of Treaties, First Session, Vienna, 26 March 24 May 1968, Official Records, New York 1969: para. 29

پذیرش یک رویه توسط کلیه طرف های معاهده است نه عمل به آن. ^۱ بنابراین، اصطلاح "رویه بعدی" به مفهومی که در بند ب پاراگراف ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین آمده است باید اولاً، متناسب به کلیه طرف های معاهده باشد؛ ثانیاً، حاکی از توافق آنها (و نه یک عمل صرفاً یک جانبه) باشد.^۲

توافق می تواند به صورت یک عمل ایجابی باشد، مانند مشارکت در رویه یا پذیرش صریح آن یا به صورت ضمنی، مانند فقدان عکس العمل و اعتراض نکردن (Villiger, 2009, 431).

یک نمونه بارز از تفسیر یک معاهده با استناد به رویه بعدی دولت ها را می توان در پاراگراف ۳ ماده ۲۷ منشور ملل متحد مشاهده کرد. طبق این ماده، تصمیمات شورای امنیت در امور ماهوی با رأی مثبت ۹ دولت عضو شامل رأی موافق اعضای دائمی اتخاذ می شود. ظاهر این عبارت حاکی از آن است که در امور ماهوی "رأی مثبت" پنج عضو دائم شورای امنیت ضرورت دارد. اما رویه دولت ها در طول زمان رأی موافق، عبارت فوق را به "عدم مخالفت" تفسیر کرده است. بنابراین، بر اساس این تفسیر، تصمیمات شورای امنیت در امور ماهوی میتواند به رغم غیبت یک عضو دائم در زمان رأی گیری یا حتی امتناع از دادن رأی نیز اتخاذ شود (Aust, 2007, 242).

رویه بعدی دولت ها در قبال معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای

یکی از مباحث مهم حقوق معاهدات مبحث تفسیر معاهدات است. رویه قضایی بین المللی و به ویژه آرای دیوان بین المللی دادگستری نقش مهمی در تبیین جنبه های مختلف این مبحث داشته است. دیوان بین المللی دادگستری، در یکی از جدیدترین آرای خود،

¹ YBILC, ibid, para. 15

² United Nations Conference on the Law of Treaties, ibid, para. 32

به موضوع توافق و رویه بعدی دولت‌ها و نقش آن در تفسیر معاهدات پرداخته است. کهنه شدن بسیاری از معاهدات بین‌المللی و دشواری تحقق فرایند رسمی تفسیر موثق معاهدات با توجه به ماده ۸ آن پی‌تی که امکان اصلاح معاهده را مستلزم اتفاق نظر کلیه طرف‌های معاهده از جمله اعضاء دارای سلاح هسته‌ای و نیز تمامی اعضائی که عضو هیأت رئیسه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دارند نموده است، مسئله تفسیر معاهدات بر مبنای رویه بعدی دولت‌های طرف معاهده را بیش از پیش مطرح ساخته است. به همین دلیل، کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز اخیراً به این موضوع توجه کرده و در همین زمینه نخست یک گروه مطالعاتی و سپس یک گزارشگر ویژه منصوب نموده است. کشورهای غیر هسته‌ای عضو معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای بر اساس ماده دو متعهد می‌گردند که به دنبال ساخت، اکتساب و یا کنترل سلاح‌های هسته‌ای نباشند و در عوض از حق بهره‌برداری صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای و مشارکت حداکثری در تبادل اطلاعات، مواد و فناوری هسته‌ای (ماده چهارم)، استفاده از منافع صلح‌آمیز انفجارهای هسته‌ای (ماده پنجم) و ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای (ماده شش) برخوردار می‌گردند.^۲ طبق ماده یک معاهده کشورهای هسته‌ای در مقابل متعهد می‌گردند از انتقال مستقیم یا غیر مستقیم سلاح‌های هسته‌ای به دیگر کشورها، کمک یا تشویق کشورهای دیگر به ساخت سلاح‌های هسته‌ای و همچنین واگذاری کنترل سلاح‌های هسته‌ای به دیگر کشورها خودداری نمایند. این کشورها همچنین بر مبنای ماده شش به ادامه مذاکرات با حسن نیت در مورد اقدامات مربوط به توقف فوری مسابقه سلاح‌های هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای، و خلع سلاح کامل و عمومی تحت کنترل موثر و

^۱ subsequent agreement and practice.

۱- با توجه به عضویت ایران در معاهده عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای و در دسترس بودن متن فارسی معاهده، از ذکر عبارات مواد مختلف معاهده در این جا پرهیز شده است.

دقیق بین‌المللی بودند. بدین ترتیب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در برابر تعهد صریح کشورهای غیرهسته‌ای در ماده دو، مجموعه‌ای از آرمان‌ها و خواسته‌های این کشورها را در قالب عباراتی مبهم و با قابلیت تأویل و تفسیر در مواد چهارالی هفت منعکس می‌کند. عبارات این مواد به گونه‌ای تنظیم شده که هیچ تعهدی برای کشورهای هسته‌ای ایجاد نمی‌کند. در ماده چهار حق کشورهای غیرهسته‌ای مشارکت در مبادله اطلاعات، مواد و فناوری هسته‌ای است و این حق غیر قابل انفکاک است. ولی روشن است که مشارکت در مبادله مستلزم وجود طرف متقابلی است که آماده در اختیار گذاری این اطلاعات، مواد و فناوری‌ها باشد. استفاده از مزایای انفجارهای صلح‌آمیز هسته‌ای برای کشورهای غیرهسته‌ای رؤیایی بیش نبوده و هیچگاه محقق نگردید. حق کشورهای غیرهسته‌ای به ایجاد مناطق عاری از سلاح‌های هسته‌ای منوط به پذیرش و تأیید این موقعیت توسط کشورهای هسته‌ای است و در نهایت آرمان تحقق خلع سلاح هسته‌ای و خلع سلاح کامل و عمومی با گذشت سال‌ها از لازم‌الاجرا شدن معاهده هنوز محقق نگردیده است.

تنها تعهد واقعی کشورهای هسته‌ای در چارچوب معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای تعهدات ماده یک مربوط به عدم انتقال سلاح هسته‌ای به دیگر کشورها است، که این تنها تعهد نیز با توجه به پیچیدگی‌های فنی، به طور کلی برای کشورهای غیرهسته‌ای قابل راستی‌آزمایی و مطالبه نیست. در عوض تعهد اصلی کشورهای غیرهسته‌ای یعنی عدم ساخت و کسب سلاح‌های هسته‌ای به گونه‌ای که در تعهدات ماده دو درج شده، تابع نظام راستی‌آزمایی پیچیده‌ای در قالب پادمان‌های آژانس قرار گرفت

رویه قضایی دیوان بین‌المللی دادگستری

توسل به رویه بعدی برای تفسیر معاهدات در آرای بسیاری از محاکم بین‌المللی، از جمله دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی، دیوان بین‌المللی دادگستری، دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، دیوان داوری دعاوی ایران و آمریکا، دیوان اروپایی حقوق بشر، و نهادهای حل اختلاف سازمان تجارت جهانی، دیده می‌شود (Nolte, 2008, 11). بحث درباره این آراء خارج از مجال این نوشته است. در اینجا اجمالاً به دو رأی دیوان بین‌المللی دادگستری، که در سال‌های اخیر صادر شده، اشاره می‌کنیم.

در قضیه جزیره کاسیکیلی سیدودو، دولت‌های بوتسوانا و نامیبیا از دیوان بین‌المللی دادگستری خواسته بودند، با توجه به معاهده ۱۸۹۰ میان انگلستان و آلمان در خصوص حوزه‌های نفوذشان در آفریقا و همچنین با توجه به اصول و مقررات حقوق بین‌الملل، مرزهای دو کشور بوتسوانا و نامیبیا پیرامون جزیره کاسیکیلی سیدودو را تعیین و وضعیت حقوقی این جزیره را از نظر حاکمیت بر آن مشخص کنند.^۱ در جریان رسیدگی، طرفین دعوی برای تفسیر معاهده ۱۸۹۰ به رویه بعدی در اجرای معاهده استناد کردند. یکی از مواردی که هر دو دولت به منظور اثبات ادعای خود و البته با نتیجه‌گیری‌های متفاوت، به منزله رویه بعدی در اجرای معاهده از آن یاد کرده بودند، یک گزارش و پاره‌ای اقدامات و مکاتبات مرتبط با آن بود. در این زمینه، دیوان تصریح می‌کند که اسناد و مدارک و اقدامات مذکور نمی‌توانند رویه بعدی تلقی شود، زیرا آنها، در حقیقت، نشان‌دهنده "عدم توافق" میان دو دولت در خصوص مرزهای پیرامون جزیره مورد بحث

^۱Kasiliki/Sedudu. Island Case, 1999: para.2.

است و نه وجود یک توافق.^۱ بنابراین، بر اساس نظر دیوان، عملکردی می‌تواند به منزلهٔ رویهٔ بعدی در تفسیر یک معاهده به کار گرفته شود که منضم باشد با عنصر توافق.

در قضیهٔ جزیره لیجیتان و جزیره سپیادان، دولت های اندونزی و مالزی از دیوان بین المللی دادگستری درخواست کرده بودند که، بر اساس معاهدات موجود و سایر شواهد و مدارک ارائه شده توسط طرفین دعوی، مشخص نماید حاکمیت بر دو جزیره - جزیره لیجیتان و جزیره سپیادان - از آن اندونزی است یا مالزی. دولت اندونزی، با استناد به کنوانسیون منعقد شده در سال ۱۹۸۱ میان دولت های انگلستان و هلند، ادعای حاکمیت بر این دو جزیره را داشت. طرفین دعوی بر سر تفسیر بخشی از کنوانسیون، که ناظر به تعیین حاکمیت بر جزایر مورد بحث بود، اختلاف نظر داشتند. اندونزی برای تفسیر کنوانسیون به یک یادداشت توضیحی ضمیمهٔ آن به عنوان رویهٔ بعدی طرفین در اجرای کنوانسیون استناد کرده بود. یادداشت توضیحی فوق، در حقیقت، یک سند داخلی دولت هلند بود که به همراه کنوانسیون برای تصویب به مقامات مربوطهٔ آن دولت ارائه شده بود. یادداشت مزبور دلایل اهمیت کنوانسیون و منافع آن برای دولت هلند را بیان می‌کرد و، علاوه بر آن، مشتمل بر نقشه ای بود که خطوط مرزی در آن مشخص شده بود. دیوان استناد به یادداشت توضیحی و نقشهٔ همراه آن به منزلهٔ رویهٔ بعدی را نپذیرفت و اظهار کرد که دولت هلند یادداشت و نقشهٔ فوق الذکر را هیچ گاه به طور رسمی به دولت انگلستان تسلیم نکرده است. هرچند که نمایندهٔ سیاسی انگلستان در لاهه یک نسخه از یادداشت توضیحی و نقشهٔ همراه آن را به آن دولت ارسال کرده بود، اولاً، این ارسال از جانب دولت هلند صورت نگرفته بود؛ ثانیاً، نمایندهٔ سیاسی انگلستان در گزارش خود به دولت

^۱ Kasiliki/Sedudu. Island Case, 1999: para. 63.

^۲ Pulau Ligitan and pulau Sipadan Case, 2002: para. 36.

متبوعش از این اسناد به عنوان اسناد داخلی دولت هلند یاد کرده و آن‌ها را نیازمند توجه خاص ندانسته بود. به عقیده دیوان، در چنین شرایطی واکنش نشان ندادن دولت انگلستان به یادداشت توضیحی و خطوط مرزی ترسیم شده در نقشه همراه آن نمی‌تواند رضایت ضمنی آن دولت نسبت به خطوط مرزی مزبور تلقی شود. بنابراین، از آنجایی که توافق دولت انگلستان ولو به صورت ضمنی حاصل نیست، یادداشت توضیحی و نقشه همراه آن را نمی‌توان مصداق رویه بعدی دو دولت در اجرای معاهده به معنای به کار رفته در بند ب پاراگراف ۳ ماده ۳۱ کنوانسیون وین محسوب کرد.^۱

^۱ Pulau Ligitan and pulau Sipadan Case, 2002: paras. 48, 59-61.

نتیجه گیری

با بررسی اقدامات و عملکرد حقوقی کشورها اعم از دارنده سلاح هسته ای و غیر دارنده در قبال مفاد ان.پی.تی و نیز عکس العمل آژانس بین المللی انرژی اتمی در قبال کشورهایی که در چارچوب ان.پی.تی فعالیت می نمایند به نظر می رسد فراتر از سیاق و مفاد ان.پی.تی. تصمیمات و اقداماتی شکل گرفته است که این تصمیمات و رویه ها مطابق با کنوانسیون مربوط به حقوق معاهدات وین ۱۹۶۹ باشد. نتایج حاصل از این تحقیق نشان داد که رویه بعدی در راستای قاعده عرفی بین المللی در رابطه با اجرای معاهده از طریق تفسیر آن شکل گرفته و این رویه بعدی با اصلاحات اساسی بر حقوق بین الملل هسته ای کشورها بطور مستقیم بر حقوق و عملکرد کشورها موثر خواهد بود این رویه می تواند در جهت توسعه حقوق هسته ای کشورها و یا در جهت تحدید آن گسترش یابد. تحولات حقوق بین الملل معمولاً از طریق توافق و پیوستن کشورها به معاهدات و کنوانسیون های بین المللی در رابطه با یک موضوع حقوقی، نسبت به حقوق داخلی کشورها مؤثر هستند. به نظر می رسد حقوق هسته ای بین المللی از این قاعده مستثنی نبوده و در گذر زمان با توجه به معاهدات بین المللی و الحاقات بعدی و بویژه رویه های بعدی مربوط به انرژی هسته ای دائم در حال تحول و پویایی است. البته ممکن است تأثیرپذیری حقوق داخلی و بین المللی در موارد مختلفی متقابل و یا برعکس اتفاق بیافتد. نتایج این تحقیق نشان داد که یکی از چالش های بزرگ آژانس بین المللی انرژی اتمی، نفوذ و دخالت کشورهای ابرقدرت و دارنده سلاح هسته ای بر این نهاد است که استفاده ابزاری از آن برای فشار بر کشورهای غیر دارنده سلاح که به لحاظ سیاسی با آنها موافق نیستند نماید. همچنین حقوق و تکالیف هسته ای کشورها در ان.پی.تی محدود به همان سه زمینه یعنی؛ حق استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی - خلع سلاح عمومی هسته ای - منع واگذاری مستقیم و غیر مستقیم، یا منع کنترل و ساخت سلاح های هسته ای باشد که در

عمل در بحث استفاده صلح آمیز از انرژی هسته‌ای کشورهای عضو، آژانس تحت تاثیر فضای سیاسی کشورها دچار دوگانگی و تبعیض گردیده است نمونه بارز آن محرومیت کشور ایران از استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی می‌باشد که نه تنها آژانس علی‌رغم توافقنامه اولیه برجام هیچگونه همکاری در امر تأمین و تهیه مواد هسته‌ای جهت مصارف صلح آمیز به ایران ارائه ننمود بلکه با بهانه‌های واهی و سیاسی تحریم‌هایی ظالمانه از طریق شورای امنیت بر ملت ایران تحیل نمودند در مقابل آژانس جهت خلع سلاح و یا کنترل تسلیحات هسته‌ای کشورهای دارنده سلاح هسته‌ای هیچگونه اقدام مؤثر و مشهودی بعمل نیاورده است که در این خصوص معاهدات به عنوان مهم‌ترین ساز و کار منع گسترش و خلع سلاح در صورتی که تمامی شرایط معاهدات خلع سلاحی را داشته باشند، می‌توانند به عنوان ساز و کاری مطمئن در این جهت مورد استفاده قرار گیرد. در این راستا، باید با متناسب ساختن معاهدات خلع سلاح هسته‌ای با شرایط در حال تغییر جهان، باید اجرای مواد مختلف این معاهدات را عملی، غیر قابل بازگشت و همیشگی ساخت. ضروری است که مقررات و هنجارهای بین‌المللی در حوزه مدیریت تولید و توزیع مواد قابل استفاده در ساخت تسلیحات هسته‌ای بازنگری شود. همچنین ضروری است شرایط و مقررات خروج کشورها از این معاهدات نیز تشدید گردد. به علاوه باید این امکان را از کشورها سلب کرد که توانمندی‌های لازم را برای مدرنیزه کردن تسلیحات هسته‌ای از طریق انعقاد معاهدات صوری خلع سلاح هسته‌ای به دست آورند و سپس بدون اینکه با تنبیه و مجازاتی روبرو شوند، از این معاهدات خارج شوند. بنابراین معاهدات خلع سلاحی باید شرایط زیر را داشته باشند:

الف- مذاکره: برای تهیه متن نهایی یک معاهده بین‌المللی باید مذاکراتی میان دولت‌ها انجام شود. مذاکراتی که فارغ از هرگونه تهدیدها و در شرایط کاملاً مساوی و در جو مناسب صورت گیرد.

ب- تعریف موضوع معاهده: هر توافق بین المللی در مورد موضوع یا موضوعات مشخصی منعقد می‌شود و باید این موضوعات در آن معاهده تعریف شوند.

ج- حق تفسیر برای طرف‌ها: اصولاً هدف هر قاعده حقوقی، اجرا شدن در مناسبات اجتماعی است. این قاعده باید به هنگام وضع، روشن و صریح باشد تا مشکلاتی در اجرا پیش نیاید. اما از آنجا که واضعان قاعده نمی‌توانند از قبل کلیه وضعیت‌های عینی و غیرقابل پیش‌بینی را پیش‌بینی نمایند، به همین جهت ممکن است به رغم تلاش در روشن بودن قاعده، عواملان قاعده در حین اجرا با مشکلاتی مواجه شوند و یا احیاناً ابهام در قاعده را بهانه‌ای برای اجرا قرار دهند. از این رو، بحث تفسیر معاهده پیش می‌آید. با توجه به اهمیت تفسیر، باید این حق در معاهدات بین المللی برای متعاهدین شناخته شود.

چ- در معاهدات بین المللی معمولاً اجرای تعهدات بر عهده خود دولت‌هاست، اجرایی که با پایبندی به آن معاهدات باید همراه باشد. پایبندی مقوله‌ای فراتر از امضای معاهدات و بیانیه‌هاست. پایبندی به معنای عمل واقعی به این معاهدات و بیانیه‌هاست. در این راستا، کشورهای دارای سلاح هسته‌ای به تعهدات خود که در چهارچوب معاهدات خلع سلاح هسته‌ای پذیرفته‌اند، باید عمل کنند. در راستای پایبندی به معاهدات، تمام کشورها باید نقش سلاح‌های هسته‌ای را در سیاست‌های امنیتی و بین‌المللی حذف نمایند. کشورهای هسته‌ای باید تلاش بیشتری برای عمل به تعهدات خود انجام دهند و در این راستا به‌طور ویژه به دنبال خلع سلاح هسته‌ای بروند.

ح- امکان اصلاح معاهده و عدم امکان گنجاندن قید خروج در معاهده: در معاهدات بین‌المللی اغلب روشی برای اصلاح و خروج از معاهدات بین‌المللی پیش‌بینی می‌شود. اما در رابطه با خروج از معاهدات خلع سلاحی باید گفت که قید خروج در این معاهدات نباید پیش‌بینی شود. همان‌گونه که قبلاً گفتیم اساس خلع سلاح، حذف کامل سلاح‌های هسته‌ای

موجود است. اگر بخواهیم این گونه معاهدات را همیشگی و غیر قابل بازگشت سازیم تا خلع سلاح کامل تحقق یابد، نباید قید خروج در آن ها پیش بینی شود.

خ- راستی آزمایی دقیق: بازرسی جزء کلیدی هر معاهده خلع سلاح است. بدون وجود یک بازرسی دقیق، امکان سنجش پایبندی طرف های معاهده وجود ندارد. بنابراین باید یک نظام بازرسی دقیق و مستقل بین المللی که بر بازرسی های نهادهای ملی نظارت کامل داشته باشد، در معاهده خلع سلاحی پیش بینی شود.

د- ضمانت اجرا: یک موافقت نامه پایدار خلع سلاح باید متضمن عملیات اجرایی با تأثیر بی چون و چرا در خلال فرایند خلع سلاح و پس از آن باشد. بدون یک سازوکار مطمئن برای کشف و مجازات متخلفین، احتمالاً هیچ کشوری قادر به آشکار سازی تخلفی واقعی یا فرضی که امنیتش را مورد تهدید قرار می دهد، نمی بود. هر چه ضمانت اجرا موثرتر و قوی تر باشد، میزان تخلف از تعهدات معاهده به همان اندازه کاهش می یابد.

مادامی که اعتقادی حقوقی در زمینه منع سلاح های کشتار جمعی در جهان شکل نگرفته بلکه هنوز اغلب دولت ها در اندیشه و عمل برای توسعه این سلاح ها خواه به ادعای دفاع از خود و بازدارندگی یا هر چیز دیگر هستند، دل بستن به فرآیندی که دولت ها را به قبول جرم یا جنایت دانستن این سلسله اقدامات بلکه لزوم مجازات افراد درگیر در آن رهنمون سازد، اگر بی اساس نباشد، از کمترین احتمال برخوردار خواهد بود. هرچه توسعه فرآیند جرم انگاری گسترش یابد، تعدیل حاکمیت دولت ها به صورت مستقیم و غیر مستقیم افزایش خواهد یافت. از این رو، به نظر می رسد که نه تنها مجازات دولت ها ممکن نخواهد بود بلکه دولت ها در برابر ایده ای که از بسط حقوق بین الملل کیفری به گسترش سلاح های کشتار جمعی حمایت کند، مقاومت و مخالفت خواهند کرد.

کتابنامه

فارسی

۱. پرکوویچ، جرج، پایبندی جهانشمول: راهبردی برای امنیت هسته‌ای، ترجمه سعید خزائی و افشار امیری، چاپ اول (تهران: خرسندی، ۱۳۸۹).
۲. جوینز، دانیل، تفسیر معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (ان.پی.تی)، ترجمه ابراهیم گل، علیرضا - کریمی، سیامک - اسمخانی، رضا، (۱۳۹۴)، انتشارات خرسندی.
۳. دریایی، محمد حسن. «خلع سلاح هسته‌ای در تئوری‌های مختلف روابط بین‌الملل». فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۷.
۴. سادات اخوی، سیدعلی، نقش رویه‌ بعدی دولتها در تفسیر معاهدات: نقد رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اجرای موافقتنامه موقت، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۵، شماره ۱، بهار ۱۳۹۴.
۵. ساعد، نادر، "منع مطلق کاربرد سلاح هسته‌ای: نظم حقوقی در حال گذار" مجله سیاست دفاعی، سال پانزدهم، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶.
۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، متن قانون پیمان بین‌المللی منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، مصوب ۱۱ دیماه ۱۳۴۸ مجلس شورای ملی و ۲۲ دیماه ۱۳۴۸ مجلس سنا.

انگلیسی

1. Treaty for the prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean.
2. Final Document on Extention of the Treaty on the Nonproliferation of Nuclear Weapons, International Legal Materials, No.3, 1995.

3. Villiger, Mark E. (2009). *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the Law of Treaties*, Leiden/Boston, Martinus Nijhoff: 431
 4. Nolte, Georg (2008), *Treaties over Time, in Particular: Subsequent Agreement and Practice*, in Report of the International Law Commission on the Work of Its Sixtieth Session, A/63/10, Annex A ILC Report, 2009: paras. 222, 226.
 5. *Case Concerning Sovereignty over Kasikili/Sedutu Island, Botswana v. Namibia*, Judgment of 13 December 1999
 6. *Pulau Ligitan and Pulau Sipadan Case*, 2002.
 7. *Special Report of the Conference of the Committee on Disarmament*, 1978, A/S-10/2, Vol. I.
 8. *Statement by the Chairman of the Study Group on Treaties over Time (Oral Report)*, 8 August 2011, 5, Conclusion.
 9. *United Nations Conference on the Law of Treaties, First Session, Vienna*, 26 March-24 May 1968, *Official Records*, New York 1969.
 10. Aust, Anthony (2007). *Modern Treaty Law and Practice*, Cambridge, Cambridge University Press.
 11. ILC (International Law Commission) Report, 2009.
 12. ILC (International Law Commission) Report, 2010.
 13. ILC (International Law Commission) Report, 2012.
 14. *Final Document on Extension of the Treaty on the Non-proliferation of Nuclear Weapons*, *International Legal Materials*, No. 3, 1995.
 15. *Application of the Interim Accord of 13 September 1995*, *Dissenting Opinion of Judge ad hoc Roucouas*.
 16. YBILC (Yearbook of International Law Commission) 1966.
 17. A/RES/2028 (XX) : UN Documents : Security Council Report, 19 Nov. 1965.
- Websit:
18. *NPT Briefing Book*, Part II, Section A, pp. 2-4